

نگاه

تقوایی در سینمای ایران حضور مهم و موثری داشته است

اولین نشست تخصصی «کتاب و سینما» با عنوان «اقتباس معکوس؛ اقتباس کتاب از سینما» با حضور هارون یشایایی، تهیه‌کننده پیش‌کسوت سینما، مازیار فکری‌ارشاد، منتقد سینما و مهرداد دانش، منتقد سینما و مدیر نشست در سالن سرای هنرگان نمایشگاه بین‌المللی کتاب برگزار شد.

مهرداد دانش که مدیریت نشست را بر عهده داشت، در ابتدا گفت: امسال سازمان سینمایی در نمایشگاه کتاب سلسله نشست‌هایی را ذیل موضوعات مرتبط با «کتاب و سینما» برگزار خواهد کرد که در جلسه اول آن به بحث مهم اقتباس می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم تا از زاویه جدیدی به موضوع اقتباس نگاه کنیم.

دانش ادامه داد: در بحث اقتباس معمولا عمده توجه ما معطوف به این مسئله است که فیلم‌های سینمایی چگونه از کتاب‌ها و رمان‌ها متأثر شده‌اند، اما در این نشست به صورت وارونه به این موضوع می‌پردازیم و بررسی خواهیم کرد که ادبیات چه استفاده‌ای از دنیای سینما کرده است؛ زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد سینما تأثیرات بسیاری در شیوه نگارش داستان‌ها از خود بر جای گذاشته است.

دانش درباره حضور هارون یشایایی، تهیه‌کننده «ناخدا خورشید» نیز گفت: آقای یشایایی را عموما به عنوان تهیه‌کننده می‌شناسیم و کمتر کسی است که بداند او در حوزه ادبیات داستانی نیز آثاری را در کارنامه خود دارد. «ناخدا خورشید»، «جایزه»، «هامون» و چند فیلم دیگر او از جمله آثار مطرح سینمای ایران هستند که رد پرنکی از اقتباس در آنها به چشم می‌خورد.

در ادامه هارون یشایایی، نویسنده و تهیه‌کننده سینما گفت: آنچه به‌طور کلی درباره سینمای ایران می‌توان عنوان کرد، این است که این هنر، بخش مهم و موثری از فرهنگ و ادبیات کشور را در صد سال اخیر شکل داده است. سینما به‌طور کلی عمر صدوچند ساله‌ای دارد و از مدت‌ها پیش ارتباط میان ادبیات و سینما شکل گرفته است.

او با بیان اینکه هیچ سوژه و فکری رد درباره سینما نمی‌شود شیء خارج از حوزه ادبیات فارسی مطرح کرد، افزود: وسعت قصه‌های فارسی دارای گستردگی بسیار زیادی است و نسبت به کشورهای منطقه، از دارایی‌های فراوانی در این خصوص برخوردار هستیم. هیچ جشنواره جهانی وجود ندارد که در آن هنرمندان ایرانی حاضر نباشند یا صحبت از هنر ایرانی در آن جریان نداشته باشد. سینمای ایران در طول تاریخ همواره معرف تفکر ایرانی بوده و هنوز هم دارای همین خاصیت است.

تهیه‌کننده «اجاره‌نشین‌ها» درباره نسبت ادبیات و سینما خاطرنشان کرد: ادبیات فارسی و فرهنگ بر خاسته از آن پر سینمای ایران مسلط است. بدون شناخت دایره نفوذ ادبیات فارسی بین توده‌های مردم نمی‌توان سینما را شناخت. خوشبختانه سینما از ادبیات کشور غافل نبوده و همواره تلاش کرده به آن نزدیک شود.

سپس مهرداد دانش درباره «اقتباس معکوس» گفت: اقتباس معکوس شامل تأثیر سینما بر ادبیات است. فیلم‌هایی وجود دارند که برخی در کشورهای دیگر تلاش کرده‌اند تا برخلاف جریان اصلی، داستان‌هایی را مطابق آن بنویسند. البته به نظر می‌رسد نگاه تجاری بر این مسئله نیز حاکم باشد. اما سؤال این است که تکنیک‌های سینمایی چه تأثیراتی بر گونه نوشتاری این رمان‌ها گذاشته‌اند.

در ادامه نشست مازیار فکری‌ارشاد، منتقد سینما نیز گفت: اوایل دهه ۶۰ فیلمی هندی به نام «قانوں» از تلویزیون پخش شد. چند ماه بعد کتابی جیبی با عکس آمیتا باچان منتشر شد و اولین مواجهه من با اقتباس معکوس در آنجا بود. جنگ ستارگان یک و قسمت آخر این مجموعه نیز بر اساس فیلم‌ها نوشته شده‌اند و هدف از انتشار آنها، نوعی رویکرد تجاری بود.

او ادامه داد: بعدها که با سینما و ادبیات بیشتر آشنا شدم، پی بردم که موضوع اقتباس معکوس یک جریان کاملا جدی است. برای مثال رمان‌هایی که بعد از سه‌گانه «بتمن» از آن اقتباس شد، قصه را ادامه داده و برخی از شخصیت‌ها در آن پرنشور پیدا کردند. مسیر جریان اقتباس معکوس از دهه ۹۰ میلادی صورتی جدی‌تر پیدا کرد و باعث شد تا دنباله‌های یک فیلم از کیفیت بالاتری برخوردار باشند و بسیاری از استودیوها در کنار اقلام تبلیغاتی، کتاب‌هایی را بر مبنای فیلم منتشر کنند. برای مثال، اثری که از روی فیلم «ماتریکس» به صورت معکوس اقتباس شده، یک اثر قابل قبول است.

این منتقد سینما بیان کرد: «ادیسه قضایی» نیز از روی فیلم کوبریک نوشته شده و میان فیلم‌ساز و نویسنده اثر، دوستی وجود داشته است به همین دلیل هر دو از محتوای آثار یکدیگر باخبر بودند.

در ادامه دانش بیان کرد: همان‌طور که می‌دانید «ناخدا خورشید» ابعاد جهانی گستردهای پیدا کرد و از اولین فیلم‌های پس از انقلاب است که در یک جشنواره مهم درخشانید و جایزه لوکازور را دریافت کرد. این فیلم از زمان «داشتن و نداشتن» همیگویی اقتباس شده است و همواره هاکس نیز براساس این‌کتاب فیلمساز و کارگردانی کرد؛ در صورتی که فیلم او وفادار لایم را به اثر همیگویی نداشت، اما ساخته تقوایی در عین وفاداری به منبع اصلی، به نوعی بومی‌سازی نیز شده بود. در ادامه نشست یشایایی درباره ناصر تقوایی نیز گفت: من تهیه‌کننده تعداد زیادی فیلم در سینمای ایران هستم و هیچ‌گاه در کار کارگردان دخالت نکرده‌ام. ناصر تقوایی هنرمندی است که به هیچ عنوان از زندگی غافل نیست و به ابعاد مختلف آن آگاه است. او فردی بی‌توقع، آزاد و رهاس‌ت و همین ویژگی به او کمک می‌کند که خلاق باشد. تقوایی همواره در سینمای ایران حضور مهم و موثری داشته است و در آینده نیز همین‌طور خواهد بود. او افزود: در فیلم «ناخدا خورشید» گاهی با تقوایی تبادل نظر می‌کردیم، اما آنچه در آثارش دیده می‌شود، تماما هنر خود اوست. هنر ایران باید به وجود ناصر تقوایی افتخار کند. من معتقدم تقوایی بود، هست و خواهد بود.

در ادامه مهرداد دانش با بیان اینکه سینما عالم تک‌سخت است، گفت: اگرچه سینما با ادبیات اشتراک‌هایی دارد، اما در زمینه‌هایی مانند تدوین، زاویه دوربین و نماها می‌تواند برای نویسندگان داستان منبع الهام باشد.

فکری‌ارشاد نیز اظهار کرد: اقتباس معکوس گاهی تا جایی پیش می‌رود که فیلم‌سازانی همچون ری‌دلی اسکات پیش از ساخت فیلم، نویسنده‌ای را برای نگارش داستان براساس آن فیلم در نظر می‌گیرند. گاهی نیز ناگفته‌های میان دنباله‌های یک فیلم در داستان‌های اقتباسی مطرح می‌شود. تفاوت مهم میان سینما و ادبیات آن است که سینما عینی است و داستان ذهنی و این دو همیشه به‌خوبی با یکدیگر تطابق پیدا نمی‌کنند. او بیان کرد: به همین دلیل لازم است که بسیاری از افراد، رمان‌های اقتباسی از یک فیلم را نمی‌پسندند؛ زیرا سینما نمی‌تواند همه ابعاد یک قصه را پوشش دهد، درحالی‌که در رمان می‌توان جزئیات را به تفصیل شرح داد. البته در اقتباس معکوس نیز نویسنده باید ساختار اصلی را حفظ کند و فقط در برخی جزئیات دست ببرد. یشایایی در پاسخ به سؤال مهرداد دانش مبنی بر اینکه چگونه توانسته در انتخاب فیلم‌هایی با موفقیت بالا پیش قدم شود، پاسخ داد: من از نوجوانی درگیر کارهای سینمایی بوده‌ام و علاقه‌مندی‌ام باعث شد با این فضا بزرگ شوم. به یاد نمی‌آورم هیچ فیلم‌نامه‌ای را رد کرده باشم؛ چون فیلم را متعلق به کارگردان می‌دانم. او در پایان با بیان اینکه علاقه‌مند به ادبیات فارسی است، بیان کرد: من تحصیلاتم در رشته فلسفه بوده و با ادبیات غربی هم آشنا هستم، اما ادبیات فارسی برایم صرفا دغدغه نیست، بلکه باوری است که به آن ایمان دارم. از نگاه من، ادبیات هویت فرهنگی مردم ایران را شکل داده است.



گفت‌وگو با آندرس ریس، فیلم‌ساز کلمبیایی درباره سینمای کوتاه

فیلم کوتاه، تبلور خلاقیت‌های بی‌مرز

هنروایت در ۱۰۰ ثانیه

با کمترین زمان، بیشترین احساس را منتقل کرد. فیلم‌های یک‌دقیقه‌ای، مانند هایکوهای ژاپنی، کوچک اما تأثیرگذار و عمیق‌اند.
❧ در دنیای امروز که رسانه‌های اجتماعی نقش بسزایی در زندگی دارند، به نظر شما آیا موقعیت فیلم‌های کوتاه تغییر کرده است؟ آیا فیلم‌ها کوتاه از طریق این رسانه‌ها می‌توانند ارتباط بهتری با مخاطبان برقرار کنند؟

قطعاً، رسانه‌های اجتماعی تأثیر عمیقی بر سینمای کوتاه گذاشته‌اند. دیگر فیلم‌های کوتاه فقط در جشنواره‌ها نمایش داده نمی‌شوند، بلکه در این فضای دیجیتال، مخاطبانی جهانی پیدا می‌کنند. این پلتفرم‌ها، امکان دسترسی سریع و گسترده را فراهم کرده‌اند و فرصت‌های ویژه‌ای برای ارتباط احساسی ایجاد می‌کنند، به‌ویژه زمانی که داستان‌پردازی ساده، صاف و بصری جذاب باشد. قالب‌های کوتاه نه‌تنها مرتبط بلکه ضروری هستند، زیرا آنها به راحتی با فضای دنیای دیجیتال هم‌راستا می‌شوند و توجه مخاطبان را جلب می‌کنند.

❧ با توجه به تجربه شما در جشنواره‌های بین‌المللی مختلف، جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ از دید شما، سینمای کوتاه ایرانی چه تفاوت‌هایی با سینمای کلمبیایی یا دیگر سینماهای آمریکای لاتین دارد؟
جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ به دلیل تمرکز بر روایت‌های کوتاه و هویت فرهنگی خاص خود بسیار برجسته است. سینمای کوتاه ایران در مقایسه با سینمای کلمبیا و دیگر سینماهای آمریکای لاتین به‌طور ویژه به سوی واقع‌گرایی شاعرانه و تمثیلی پیش می‌رود. استفاده از نمادپردازی و ظرافت در این سینما به‌عنوان ابزارهای قدرتمند در روایت‌های کوتاه، ویژگی‌های شاخص آن است. سینمای کلمبیا و آمریکای لاتین اما تمایل دارند به سوی روایت‌های اجتماعی‌تر و ملموس‌تر حرکت کنند. هر دو منطقه چشم‌اندازهای فرهنگی و تاریخی غنی‌ای دارند که از دل مبارزات و تجربیات مردم خود آن می‌جوشد.

❧ آیا تا به حال فیلم کوتاه ایرانی دیده‌اید که بتوانید درباره آن صحبت کنید؟

بله، چندین فیلم ایرانی دیده‌ام و همواره فضای تأمل و ظرافت احساسی این فیلم‌ها برایم جذاب بوده است. یکی از نمونه‌های برجسته، فیلم‌های «بام»، «مادر» و «پدر» اثر محمدرضا خردمندان است که حساسیت ویژه‌ای در داستان‌پردازی دارند. این آثار با استفاده از سکوت و فضای



تأملی، با دقت احساسی و روایی، مفاهیم عمیقی همچون انزوا، امید، عشق و فداکاری را به تصویر می‌کشند. برای من این فیلم‌ها نشان می‌دهند که چگونه داستان‌های ساده، زمانی که با صداقت بیان شوند، می‌توانند تأثیر عمیقی داشته باشند.
❧ اگر شما داور جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ بودید، چه معیارهایی را برای ارزیابی آثار در نظر می‌گرفتید و چه جنبه‌هایی برای شما بیشترین اهمیت را داشت؟
برای من، اصالت و تأثیر احساسی داستان بسیار اهمیت دارد. همچنین، به‌دقت بررسی می‌کنم که چگونه هر عنصر – صدا، تصویر و ریتم- در خدمت روایت اصلی قرار می‌گیرد. فیلم‌هایی که جرئت دارند تا از منظر انسانی و صادقانه به مخاطب نزدیک شوند، حتی در ابعاد کوچک، برای من ارزشمند هستند. همچنین، فیلم‌هایی که توانسته‌اند روایت خود را با دقت و خلاقیت در کمترین زمان ممکن بیان کنند نیز در نظر من جایگاه ویژه‌ای دارند.

❧ جشنواره‌های فیلم کوتاه، همچون جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰، تا چه حد می‌توانند به‌عنوان سکوی پرتابی برای فیلم‌سازان جوان عمل کنند یا بستری برای کشف استعداد‌های سینمایی فراهم کنند؟

قطعاً این جشنواره‌ها به بیش از یک مکان برای نمایش فیلم هستند؛ آنها تبدیل به آزمایشگاه‌های خلاقیت و تفکر سینمایی می‌شوند. این جشنواره‌ها به‌طور خاص فرصتی فراهم می‌آورند تا صداهای جوان و نوظهور در دنیای سینما شناخته شوند و با همکاری و تعامل با دیگر هنرمندان، تجربیات و دیدگاه‌های تازه‌ای را به اشتراک بگذارند. بسیاری از حرفه‌ای‌های بزرگ سینما از دنیای فیلم کوتاه با به عرصه گذاشته‌اند؛ جایی که محدودیت‌های زمان و منابع معمولاً موجب بروز نوآوری و خلاقیت‌های غیرمنتظره می‌شود.

❧ در پایان، برای جوانانی که به ساخت فیلم‌های کوتاه علاقه‌مند هستند، چه توصیه‌ای دارید؟

برای آنها که تازه شروع می‌کنند، توصیه من این است که از کوچک‌ترین امکانات و ایده‌ها بهره ببرند، اما همواره با عمق فکر کنند. هیچ‌گاه منتظر شرایط ایدئال نباشید، آنچه را در دست دارید به بهترین نحو استفاده کنید. یک گوشی هوشمند، یک ایده خوب و صداقت می‌تواند آغازگر مسیر موفقیت شما باشد و در نهایت، به زندگی دقت کنید؛ بهترین فیلم‌های کوتاه معمولاً از جزئیات ساده‌ای که در زندگی روزمره نادیده می‌گیریم، نشئت می‌گیرند.



کارگردان یورش با «ویرانی» آمد

فرزانه متین، کُرت اوانز، کارگردان ۴۵ساله ولزی که بیشتر به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس، تدوینگر و طراح مبارزه‌اشکن سینمای آندوژی در نزد عموم شناخته شده، به‌تازگی فیلمی به نام ویرانی (Havoc)، محصول ۲۰۲۵ تولید ایالات متحده آمریکا و بریتانیا را در ۲۵ آوریل امسال توسط پلتفرم نتفلیکس منتشر کرده است. او که بیشتر با ساخت یورش ۱ (۲۰۱۱) و یورش ۲ (۲۰۱۴) و چندین اپیزود سریال دارودسته لندنی‌ها شناخته می‌شود، به‌عنوان استاد زائر اکشن و جنایی پس از سال‌ها به سینما بازگشت تا بینندگان علاقه‌مند به این ژانر را غافلگیر کند. اما متأسفانه ویرانی نتوانست انتظارات را برآورده کند و مورد نقد منفی منتقدان هم قرار گرفت و با کسب امتیاز ۵.۹ از سایت IMDb تبدیل به یک اثر نامیدکننده شد. فیلم ویرانی هم‌انکون از پلتفرم‌های ایرانی نیز قابل تماشااست.
بازیگرانی همچون تام هاردی، تیموتی اولیفانت، فارست ویتاکر، جسی می،لی، کولین سولورا، جاستین کورنول و لوئیس گوزمن در این فیلم هنرنمایی کرده‌اند. ویرانی در مورد یک کارگاه خسته و تنه‌ا نام‌واکر با بازی تام هاردی است که در دل شهری فاسد کار می‌کند. او برای نجات پسر یک سیاست‌مدار فاسد در میان یک حادثهٔ مرگبار که منجر به قتل یک پسر معروف چینی می‌شود و با گذشت‌اش و سیستمی آلوده که خودش نیز در درون آن کار می‌کند، روبه‌رو می‌شود. مخاطب از طریق تعقیب و گریز وارد فیلم و هر لحظه با یک غافلگیری و روایتی جدید روبه‌رو می‌شود. فیلم سرشار از صحنه‌های درگیری، خشونت و خون‌ریزی‌های افراطی است که اوانز به دوران فیلم‌های دوگانه پلیسی (بدمن و گودمن) میانه دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی بازگشته است و طراحی صحنه‌های اکشن بر خود داستان غلبه دارد و ارجح است. سکانس‌های تیزرانازی، خشاب‌های گلوله، هرج‌ومرج و خیانت پلیس‌ها در ویرانی به‌شدت پرزک است، از این‌رو علاوه بر خرده‌روایت‌ها، داستان اصلی را هم دچار پیچیدگی می‌کند تا جایی که در میانه فیلم، مخاطب از این داستان پرتش فاصله می‌گیرد و گیج می‌شود و البته مدت زمان ۹۰دقیقه‌ای برای ویرانی با توجه به این حجم از قصه، بسیار کم است. البته نباید منکر این قضیه شد که اوانز، استاد طراحی صحنه‌های اکشن خلاقانه، در ساخت سکانس‌های شبانه با نورهای قرمز و آبی و فسادهای زیرزمینی تبحر خاصی دارد، استفاده از لوکیشن‌های شهری، حس خفقان و تاریکی را به‌خوبی انتقال

خبربرگزیده

برای اولین بار یک کارگردان زن برنده اسکار ایتالیا شد

مهرا: با اهدای جوایز دیوید دی دوناآلو ایتالیا، چهره‌های زن سینما درخشیدند و جایزه بهترین فیلم سال به «ورمیلیو» ساخته مانوآرا دلپرو که پیش‌تر برنده شیر نقره‌ای ونیز شده بود، اهدا شد.
درامی درباره توانمندسازی زنان با عنوان «هنر شادی» ساخته والریا گولیو و «کلوریا» اولین تجربه کارگردانی مارگریتا ویکاریو نیز چندین تندیس از شب اسکار ایتالیا را به خود اختصاص دادند.

«ورمیلیو» برنده بزرگ شب اسکار ایتالیا، جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، فیلم‌نامه، تهیه‌کننده، فیلم‌برداری، صدا و بخش تازه انتخاب بازیگر را از آن خود کرد.
داستان این فیلم در پایان جنگ جهانی دوم در روستایی در آلب اتفاق می‌افتد و به ماجراهای سه خواهر با ورود یک سرباز می‌پرداز.

«ورمیلیو» در فهرست فیلم‌های بخش رقابتی کمربامیج هم جای داشت و پیش از این جین کمپبون در نامه‌ای سرگشاده از آن تمجید کرده بود.

دلپرو اولین زنی است که در تاریخ ۷۰ساله این جوایز، جایزه بهترین کارگردانی دیوید دی دوناآلو را دریافت کرده و سومین فیلم‌ساز زنی است که جایزه بهترین فیلم را برده است.

«هنر شادی» ساخته والریا گولیو که

بر مبنای رمانی حماسی و فمینیستی از نویسنده و بازیگر فقید ایتالیایی، گولیاردا ساینزا ساخته شده، جایزه بهترین فیلم‌نامه اقتباسی را برد و جایزه بهترین بازیگر زن نوظهور هم به تکلا اینسولیا، بازیگر این فیلم رسید که در نقش زنی بازی می‌کند که در اوایل سال ۱۹۰۰ در خانواده‌ای فقیر به دنیا می‌آید و با این باور قوی که زندگی بهتری برایش مقدر شده جلو می‌رود. این فیلم جایزه بهترین بازیگر زن نقش مکمل را هم برای والریا برونی تدسکی به دست آورد.

«کلوریا» اولین تجربه کارگردانی مارگاریتا ویکاریو، خواننده و ترانه‌سرای ایتالیایی که یک کمدی موزیکال برجسته‌ووش از یک پرورشگاه ونیزی در اواخر قرن ۱۸ است و درباره دختری جوان به نام ترافاست که گروهی از نوازندگان را برای به چالش کشیدن قوانین کلاسیک جمع می‌کند، جایزه بهترین کارگردان فیلم اول و چندین جایزه دیگر ازجمله بهترین آهنگ و موسیقی متن را از آن خود کرد.
جایزه بهترین بازیگر مرد به الیو جرمانو برای بازی در فیلم «جاطلی بزرگ» ساخته آندرهآ سکره رسید. در این فیلم او نقش سیاست‌مدار فقید ایتالیایی، انریکو برلینگوئر را بازی می‌کند که از سال ۱۹۷۲ تا زمان مرگش در سال ۱۹۸۴ رهبر حزب کمونیست ایتالیا بود.

جایزه دیوید بهترین فیلم خارجی به فیلم «آتورا» ساخته شان بیکر رسید. این جایزه برای احترام این فیلم به سینمای ایتالیا از همه زائرها، از کمدی گرفته تا نئورالیسم به آن اهدا شد.

فهرست کامل برندگان جوایز دیوید فیلم‌برداری: «ورمیلیو»

بهترین بازیگر: «ورمیلیو»، مانوآرا دلپرو

بهترین کارگردان: «ورمیلیو»، مانوآرا دلپرو

بهترین کارگردان فیلم اول: «کلوریا»، مارگریتا ویکاریو

بهترین تهیه‌کننده: فرانچسکا آندولی و لئوناردو گورا برای «ورمیلیو»

بهترین بازیگر زن: تکلا اینسولیا برای «هنر شادی»

بهترین بازیگر مرد: الیو جرمانو برای «جاء طلبی هزگ»

بهترین بازیگر زن نقش مکمل: والریا برونی تدسکی برای «هنر شادی»

بهترین بازیگر مرد نقش مکمل: فرانچسکو دی لوا برای «خانواده»

فیلم‌نامه اورجینال: «ورمیلیو»، مانوآرا دلپرو

فیلم‌نامه اقتباسی: «هنر شادی» والریا گولیو،فرانچسکا مارسیانو

فیلم‌برداری: «ورمیلیو» میخائیل کریچمن

تدوین: «جاه‌طلبی بزرگ»، یاکوپی کوادری

مستند: «لبریکا اوترینا» ساخته فرانچسکا مانوکی

فیلم کوتاه: «دومنیکا سرا» ساخته مائتو تورتونه

انتخاب بازیگران: استافانیا رودا، مائوریلیو مانگایو برای «ورمیلیو»

موسیقی: «کلوریا»، مارگریتا ویکاریو، دیویده پاولانو